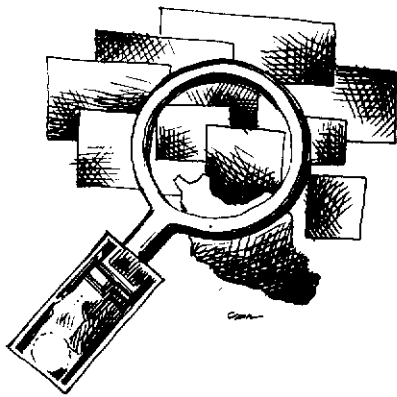


# نگاهی به اهداف اقتصادی ایران در آسیای میانه



جمیل حسن پور فوق لیسانس امور بین الملل در مسائل آسیای میانه

با این جمهوریها شتابان به پیش می‌تازند. کشورهایی چون ترکیه، روسیه، هندوستان، چین و رژیم اشغالگر قدس و کشورهای غربی و عربی سعی در گسترش روابط خود، بویژه روابط اقتصادی با کشورهای این منطقه دارند. چرا که دارای توان اقتصادی و صنعتی بالقوه و بالفعلی هستند. و از سوی دیگر آنجا را دارای بازارهای مناسب و جدیدی برای کالاهای خود می‌بینند.

ایران نیز طی چند دهه نقش اساسی خود در زمینه همکاریهای بین‌المللی و منطقه‌ای در بخش انرژی بویژه نفت و گاز را ایفا نموده است. به این جهت همکاریهای همه جانبه پس از پایان جنگ سرد و افول شرایط سیاسی و اقتصادی شوروی می‌تواند بر روند توسعه سیاسی و اقتصادی برای حل معضلات مربوط به صنایع و بازار جهانی انرژی از جمله نفت و گاز تاثیر جدی داشته باشد.

سابقه همکاری دیرینه فرهنگی و علایق مشترک مذهبی میان ایران و جمهوریهای آسیای مرکزی، و نیز محور بودن نفت و گاز و صنایع انرژی در اقتصاد این جمهوریها و ایران، موجب ایجاد زمینه مناسب و روشنی برای توسعه مناسبات اقتصادی حول محور انرژی می‌شود. در مجموع، دورنمای همکاریهای مشترک اقتصادی - صنعتی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی شامل موارد ذیل می‌گردد.

الف: همکاریهای فنی، تحقیقاتی و پژوهشی در زمینه نفت و گاز و پتروشیمی.

هشت ساله به بازسازی خود اقدام نموده است. اما با این اوصاف دارای کالاها و بسیاری دیگر از امکانات اقتصادی است که کمبود آنها در این جمهوریها به شدت احساس می‌گردد. مضاف بر اینکه در کل منطقه خاور میانه ایران از نظر انرژی و صنایع وابسته به آن و تکنولوژی مربوط به این صنعت در موقعیت مناسبی قرار دارد و از سویی درآمد امکانات مالی ایران با درآمدی ارزی نزدیک به مجموع صادرات ترکیه و پاکستان دارای مزیت نسبی است که ضمن صدور بعضی از کالاهای مصرفی و مبادلات، بویژه در نوار مرزی ایران - به دنبال گسترش راههای ارتباطی از طریق جاده - راه آهن، ارتباط هوایی - با این جمهوریها است که مهمترین آنان اتصال خط آهن ایران از مرز سرخس به ترکمنستان و سپس دیگر جمهوریها می‌باشد.

ایران می‌تواند به عنوان واسطه فروش کالاهای صادراتی این کشورها، از نفت خام گرفته تا پنبه و پشم به آنان یاری برساند. به عنوان مثال ایران از ترکمنستان نفت خام جهت پالایشگاههای خود دریافت نماید و در عوض معادل آن را در خلیج فارس برای ترکمنستان به فروش رساند. این معامله با توجه به دو مزیت نسبی ایران یعنی انرژی و موقعیت جغرافیایی برای هر دو کشور مفید است.

در عین حال دولت ایران باید توجه داشته باشد که کشورهای دیگر دست بر روی دست نگذاشته و هر کدام از کشورها در جهت توسعه و گسترش روابط اقتصادی

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوریهای آن روابط ایران با این کشورها بویژه جمهوریهای مسلمان‌نشین در بالاترین سطوح برقرار و گسترش یافت. با توجه به اهمیت جمهوریهای مسلمان‌نشین برای ایران، از نظر سیاسی، امنیتی و استراتژیکی و اقتصادی و داشتن پیشینه تاریخی و هم کیش بودن، گسترش روابط با این کشورها بیش از پیش مدنظر قرار گرفت و توسعه یافت.

در مقطع کنونی، با توجه به دیدگاههای غرب و کشورهای نظیر ترکیه و عربستان سعودی نسبت به این منطقه عدم حضور گسترده ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این جمهوریها، در آینده آثار زیانباری برای ایران در بر خواهد داشت. بنابراین، تأسیس نمایندگیهای سیاسی ایران در ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان، گسترش روابط اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در سطوح عالی با این کشورها مورد نیاز است، که لحاظ کردن پتانسیلهای موجود در ایران در ابعاد صنعتی و اقتصادی و نیازهای این جمهوریها و توسعه این روابط با سیاستی مدبرانه بسیار مفید و سودمند خواهد بود.

نزدیکی قومی و رابطه تاریخی، فرهنگی و مذهبی به اضافه مرز طولانی با این کشورها از امتیازات ویژه ایران است، لکن از همه مهمتر موقعیت جغرافیایی ایران است که تنها راه موثر این جمهوریها برای ارتباط با جهان می‌باشد، هر چند اقتصاد ایران هرگز یک اقتصاد قوی تولیدی و صنعتی نبوده و به تازگی پس از یک جنگ

## ب. مشارکت در برنامه‌های اقتصادی در بخش صنایع انرژی<sup>۲</sup>.

از آنجا که ایران در صنعت نفت از پیشرفته و قابل ملاحظه‌ای برخوردار است قادر خواهد بود که در چارچوب سازمانهایی از قبیل اکو به قابلیت و پتانسیل تولید نفت در این منطقه کمک نماید. علاوه بر این جنبه برون‌گرای سیاست خارجی ایران توأم با دسترسی جغرافیایی به خلیج فارس به این جمهوریها که تاکنون منزوی بوده‌اند کمک قابل توجهی خواهد کرد.

در روابط دو جانبه ایران با جمهوریهای آسیای مرکزی بیش از دهها موافقتنامه و مبادله نامه به امضاء رسیده است که عمدتاً در زمینه حمل و نقل، بانکداری، انرژی و ارتباطات است.

طی کنفرانسی که در سال ۱۹۹۳ در مورد همکاری در زمینه انرژی در آسیای مرکزی و منطقه قفقاز در تهران برگزار شد، صنعت نفت و گاز به عنوان یک محور ممکن برای بسط پیوندهای میان ایران و این جمهوریها اعلام گردیده است. تنها در سال ۱۹۹۲ ایران با ارمنستان، ترکمنستان، آذربایجان و اوکراین یک سلسله موافقتنامه‌های دو جانبه برای ساخت پالایشگاه و تأمین نفت امضاء کرد. ایران همچنین در برابر دریافت سه میلیارد متر مکعب گاز ۵/۶ میلیون تن نفت خام به این جمهوریها خواهد فروخت. در اواخر اوت ۱۹۹۲ موافقتنامه‌های دیگری برای ساخت راه‌آهن نیر با نیاز اف رئیس جمهور ترکمنستان که از ایران دیدار می‌کرد به امضاء رسید<sup>۳</sup>.

از سوی دیگر ایران از طریق سازمان همکاریهای اقتصادی اکو به ایجاد روابط چندجانبه‌ای با کشورهای آسیای مرکزی و آذربایجان آغاز نموده است که آن مربوط به نخستین نشست سران اکو در تهران طی روزهای ۱۶ و ۱۷ فوریه ۱۹۹۲ است. کشورهای آسیای مرکزی به علاوه افغانستان و آذربایجان به عنوان اعضاء در این کنفرانس تاریخی - اقتصادی شرکت داشتند.

در این اجلاس برای فعالیت در جهت کاهش منظم محدودیتهای تجاری، تاسیس بانک توسعه منطقه‌ای، ایجاد بازار مشترک کشاورزی، و نهادینه کردن آموزش کارشناسان و مبادله دانشجویان توافقیهای حاصل شد. بانک مزبور با سرمایه اولیه ۳۰۰ میلیون دلار برای کمک به جمهوریهای نوبا در زمینه تلاشهای اصلاحی‌شان تاسیس شد. به دنبال این تلاش عظیم، ایران برای ایجاد گروه دولتهای دریای خزر در آذربایجان یک منطقه همکاری با هدف مشخص و نیرومند تجاری شکل داده است. هدف دیگر این گروه‌بندی برخورد با مساله افزایش سطح آب دریای خزر و گسترش ارتباطات میان دولتهای عضو است<sup>۴</sup>.

از جانب دیگر در آوریل همان سال ۱۹۹۲- در نئستی که بین ایران، چین و چند کشور آسیای مرکزی در قزاقستان برگزار شد. در مورد اجرای طرح جدید جاده ابریشم که بر اساس آن قاره پهناور آسیا از طریق یک شبکه پیشرفته راه‌آهن در امتداد راه تاریخی ابریشم به اروپا متصل خواهد شد توافق کردند.

در جهت نقش ایران به توسعه و احیای گردش چرخ اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی، باید توجه کرد که طرح و برنامه ریزی این کمکها در وهله اول بر اساس نزدیکی این جمهوریها با ایران قابل بررسی و طرح‌ریزی است. به این معنی که نزدیکی جغرافیایی ایران و مناطق آسیای مرکزی از لحاظ ورود و خروج کالاها از خارج نقش ایران را دو چندان می‌سازد.

در خصوص اهمیت اقتصادی و تجاری ایران برای کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می‌توان با توجه و پافشاری سران آسیای مرکزی در اتصال شبکه راه‌آهن ترکمنستان به خراسان اشاره داشت، که این پروژه و طرح را برای خود ضروری می‌بینند.

با تمام علاقه‌ای که دولتمردان این جمهوریها به ایران دارند. ذهنیت منفی، که ممکن است از ایران داشته باشند. می‌تواند محدود کننده این روابط باشد، از جمله

ذهنیتی که در باره ایران قبل از انقلاب دارند و ایران را به عنوان پایگاه امپریالیسم می‌دانستند و بعد از انقلاب، ایران را باعث تمامی خیزشهای اسلامی رادیکالی می‌دانند. که این طرز تفکر به علت تبلیغات منفی جهان استکبار و صهیونیسم در مورد خطر بنیادگرائی اسلامی و انقلاب اسلامی ایران است که از جانب آمریکا و بعضاً روسیه برای جلوگیری از نفوذ جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است.

در مجموع؛ قراردادهای بین‌المللی حاکم بر روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جدیدالتأسیس به دو گروه تقسیم می‌شود. قراردادهای چندجانبه و قراردادهای دو جانبه.

**مهمترین قراردادهای چندجانبه‌ای که نظام حقوقی حاکم بر روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوریهای مسلمان شوروی سابق را شکل می‌دهد، عهدنامه ازبیر و سایر مصوبات مربوط به سازمان همکاریهای اقتصادی (اکو) می‌باشد<sup>۵</sup>.**

**ایران قراردادهای دو جانبه به عمل آمده با جمهوریهای آسیای مرکزی در موارد زیر به امضاء رسانده است.**

۱- انرژی و منابع طبیعی ۲- حمل و نقل ۳- کشتیرانی ۴- علمی، فرهنگی و آموزشی ۵- اقتصادی و بازرگانی<sup>۶</sup>.

روبین معتقد است که ایران به لحاظ موقعیت راههای ارتباطی و عبور نفت و گاز از این منطقه دارای نیروی بالقوه در ایفای نقش کلیدی می‌باشد. ایران همچنین علاقه‌مند به برقراری روابط فرهنگی با فارسی‌زبانان افغانستان و تاجیکستان می‌باشد ولی به رغم ادعاهای ایران و مطالبه حقوق و امتیازات از سوی این کشور در سالهای اولیه استقلال این کشورها، در حال حاضر ایران تلاش عمده خود را صرف تقویت ثبات در آسیای مرکزی می‌نماید تا بتواند به اهداف اقتصادی خود دست یابد. ایران بویژه سعی در همکاری با سایر کشورهای تولیدکننده نفت و انرژی در منطقه از جمله ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان

نموده است.<sup>۷</sup>

از جانب دیگر آلیسون معتقد است که؛ تجارت عمده کلیدی محور عمده سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود. قبلاً جهت‌گیری تجارت به نفع روسیه و تجارت بومی بود. در حال حاضر روابط تجاری ایران با این کشورها توسعه یافته است، که در صورت توسعه پروژه احداث لوله‌های نفتی، همکاری بین ایران و این کشورها گسترش خواهد یافت.<sup>۸</sup>

نتیجتاً، به نظر می‌رسد چنانچه کشورهای آسیای مرکزی در راه استقلال خود موفق نگردند، می‌توان چند سناریو را برای روند سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان در نظر گرفت.

**اول** اینکه این کشورها به علت عدم موفقیتشان، ممکن است به صورت داوطلبانه به سمت مرکزیت قبلی خود تمایل نشان داده و زیر سلطه روسها در آیند. **دوم** اینکه تنشهای قومی و اقتصادی ممکن است میان این جمهوریها جنگ را به وجود آورد. مانند آنچه که در قره‌باغ می‌گذرد که علاوه بر کشورهای آسیای مرکزی احتمالاً امنیت سایر کشورهای همسایه مانند ایران - افغانستان - روسیه و چین را به خطر بیندازد.

**سوم** اینکه این کشورها ممکن است خود را زیر چتر حمایتی یکی از کشورهای قدرتمند قرار داده - در جهت تامین امنیت و بقای خود - و این باعث یک نوع رقابت ناسالم بین کشورها در این منطقه بشود.

**چهارم** اینکه عدم توسعه اقتصادی و عدم بلوغ ساختار سیاسی باعث ایجاد فقر در این کشورها می‌گردد و تشکیل گروهی از کشورهای فقیر و توسعه نیافته که هر لحظه با خطر شورش و قحطی روبرو است برای همسایگانش نگران کننده است.

**پنجم** اینکه این منطقه به وسیله قدرتهای اتمی محاصره شده است که می‌تواند برای امنیت این منطقه خطرآفرین باشد روسیه و قزاقستان در شمال و شمال غرب، چین از شرق، هند از جنوب و

پاکستان و کره شمالی و رژیم اشغالگر قدس به شکل بالقوه .

بنابراین توجه به رشد اقتصادی و ایجاد صلح در منطقه تا حدود زیادی می‌تواند از میزان این نگرانی بکاهد. ایران تاکنون در جهت رسیدن به توسعه اقتصادی و برقراری صلح و امنیت و ثبات سیاسی در این منطقه گامهای اساسی برداشته که عبارتند از:

۱. ایران با همکاری ترکیه و پاکستان جهت توسعه اقتصادی منطقه، سازمان اکو را در سطح این منطقه گسترش بخشیده است و این کشورها در فوریه ۱۹۹۲ در کنفرانس تهران به عضویت اکو در آمدند که به آنان اجازه می‌داد تا در یک قالب اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای در جهت توسعه اقتصادی خود گام بردارند.

۲. ایران تاکنون سعی کرده است همگام با سازمانهای بین‌المللی بویژه سازمان ملل متحد در جهت حل اختلافات قومی و سیاسی این مناطق گام بردارد.

۳. ایران در مجامع بین‌المللی سعی می‌کند تا از شرکت و عضویت این جمهوریها حمایت نموده و این کشورها را به رعایت قوانین حقوق بین‌الملل و مرزهای شناخته شده تشویق نماید.

۴. ایران با توسعه شبکه ارتباطی و با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی که دارد سعی می‌نماید این کشورها را از طریق سرخس به آبهای آزاد دنیا و بازارهای جهانی متصل نموده و در کنار آن به گسترش خطوط هوایی توجه نماید.

۵. ایران در جهت کمکهای اقتصادی، چندین نمایشگاه در این جمهوریها برگزار نموده، تا امر مبادله کالا بین ایران و این کشورها تسهیل گردد. همچنین موافقتنامه‌های کلی جهت صدور نفت، گاز و دیگر کالاهای اساسی به امضاء رسیده است و سایر روابط بازرگانی و مالی در حال بررسی و انجام است.

۶. از آنجا که هیچ استقلالی بدون استقلال فرهنگی قابل دوام نیست و با توجه به اینکه این مهم و سابقه تاریخی و فرهنگی

مشترک بین ایران و مردم این سرزمین‌ها، و تاکید ایران بر تحکیم و توسعه روابط فرهنگی، تاکنون دهها سمینار و کنفرانس در ابعاد گوناگون فرهنگی برگزار گردیده و می‌گردد.

ایران به دلیل برخورداری از فصل مشترک فرهنگ پربار و غنی خود با کشورهای همجوار. با توجه به روند استقلال‌طلبی‌های جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز، توانایی پرکردن خلاءهای فکری و ارضای نیازهای فرهنگی این جمهوریها را دارد. لذا همه کشورهای متقاضی کمکهای فکری و فرهنگی ایرانی می‌توانند از امکانات ایران بهره‌مند شوند.

تلاشهای فراوان ایران جهت عضویت پنج جمهوری آسیای مرکزی به علاوه آذربایجان و افغانستان، تحصیل توافق در اجلاسهای متعدد درای خزر نشانی از حسن نیت و همکاری ایران برای پیشبرد توسعه اقتصادی و ثبات امنیت و صلح در این جمهوریها و بطورکل منطقه آسیای مرکزی و همسایگان مجاور آنان دارد.

سیاست خارجی ایران و رقبای آسیای مرکزی بسیار متوازن بوده و تهاجمی نبوده است. منظور از توازن عبارت است از ایجاد تعادل میان انواع مختلف ارتباط، اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره به‌طوری که ایران از نظر اقتصادی کمک نموده و روابط همسایگی خوب را این کشورها حفظ کرده است.<sup>۹</sup>

آقای رویین از محققان روابط بین‌الملل معتقد است که ایران یا هر کشور دیگری باید در وهله اول واقع‌گرا باشند. زیرا این کشورها قبلاً به روسیه وابسته بودند و در دهه آتی این کشورها باید سعی کنند از طریق ایجاد تنوع در اقتصاد، ارتباطات و حمل و نقل، روابط بین‌المللی خود را تنوع بخشند.<sup>۱۰</sup>

در بررسی نقش و عملکرد ایران در آسیای مرکزی می‌توان به چهار سطح تحلیل بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و استانی اشاره نمود.

**سطح بین‌المللی:** با فروپاشی

شوروی و پایان جنگ سرد هر چند که این نقش برای ایران که بتواند یکی از دو ابرقدرت را بر علیه دیگری بازی بگیرد از بین رفته، اما در کنار آن فرصتهایی به وجود آمده که می‌توان به دو پدیده بین‌المللی اشاره نمود. اول اینکه ایران به عنوان مرکز ارتباطات بین‌المللی اقتصادی و سیاسی منطقه آسیای مرکزی تبدیل شده، که این ریشه در ساختار جغرافیایی ایران و سیاست خارجی عملی این کشور دارد.

و از سویی دیگر کشورهای جهان مایل به گسترش مناسبات اقتصادی با آسیای مرکزی هستند و همچنین بالعکس. کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز که خواهان توسعه مناسبات اقتصادی و تجاری خود با جهان خارج هستند چاره‌ای جز استفاده از راههای زمینی پنج کشور ایران، ترکیه، چین، افغانستان و روسیه ندارند. جالب توجه اینکه در بین پنج کشور نامبرده ایران بهترین موقعیت ارتباطی را دارد. چرا که افغانستان دارای راههای مواصلاتی مناسبی نیست و کشور آشویزه و بی‌ثباتی است. چین فقط با بخشی از آسیای مرکزی یعنی قیرقیزستان، قزاقستان و تاجیکستان هم مرز است و راههای ارتباطی آن با آبهای آزاد بسیار دور است. ترکیه فقط با ارمنستان هم مرز است و خود روسیه نیز همیشه مشکل دسترسی به آبهای آزاد را داشته است.

پدیده دوم اینکه ادغام سیستم اقتصادی آسیای مرکزی با سیستم اقتصاد بین‌المللی بدون استفاده از خطوط مواصلاتی ایران میسر نیست و بهترین دلیل می‌توان به مساله لوله‌های نفتی جمهوریهای نفت‌خیز این کشورها اشاره نمود که از خاک ایران بایستی بگذرند.

**سطح منطقه‌ای:** در بررسی سطح تحلیل منطقه‌ای سه مساله قابل توجه می‌باشد.

اول، همکاریهای اقتصادی منطقه‌ای است که بارزترین قالب فکری و اجرایی آن اکو است.

دوم، رفتار ایران نشانگر علاقه‌مندی به

گسترش همکاری منطقه‌ای می‌باشد که برجسته‌ترین آنها شرکت فعال در سازمان همکاری کشورهای ساحلی دریاچه خزر است.

سوم، نقش منطقه‌ای ایران در برقراری صلح و حل منازعات داخلی جمهوریهای منطقه است مانند حل و فصل منازعه و جنگ داخلی در تاجیکستان و غیره که این نقش ایران، ماهیتی سیاسی دارد. ظرفیت منطقه‌ای ایران ابعاد سیاسی و امنیتی را نشان می‌دهد.

**سطح ملی:** در بررسی این سطح سه مطلب قابل اشاره می‌باشد.

اول، نوع اجماع ملی در لزوم گسترش پیوندهای مختلف با مناطق آسیای مرکزی است که این اجماع موجود بین تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، رسانه‌های گروهی و محافل دانشگاهی ایران در لزوم توسعه مناسبات اقتصادی و سیاسی با جمهوریهای تازه به استقلال رسیده در حد بسیار مناسب و کم‌نظیری قرار دارد.

دوم، اهمیت یافتن شورای ملی به عنوان مرکز تصمیم‌گیری دسته‌جمعی و هماهنگ‌کننده امور سیاست خارجی، بویژه در مراحل حساس و پیچیده می‌باشد.

سوم، ایجاد تدریجی گروهی از کارشناسان، دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان به امور آسیای مرکزی و حوزه‌های گوناگون آن است.

**سطح استانی:** در این باره بایستی به اهمیت استانهای مرزی شمالی ایران توجه نمود و سه مطلب در این خصوص قابل توجه است.

اول، گسترش مناسبات انسانی در دو سوی مرز، مرزهایی که در حدود ۷۰ سال بسته بودند.

دوم، گسترش دستگاههای اداره‌کننده روابط خارجی در این استانها است.

افتتاح نمایندگیهای وزارت امور خارجه در تبریز، مشهد و اخیراً گرگان طی دو سال گذشته نمایانگر اهمیت یافتن استانهای خراسان، مازندران، آذربایجان شرقی و غربی

بوده است. گشایش کنسولگری ایران در شهر مرو ترکمنستان و جمهوری خود مختار نخجوان پرتوی دیگر از گسترش دستگاههای مسئول امور سیاست خارجی است.

سوم، گسترش فعالیت بخش خصوصی ایران در استانهای مرزی، به این شکل که اغلب شرکتها و موسسات اقتصادی در بخش خصوصی که قصد فعالیت در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را دراند دفاتر خود را در استانهای مرزی ایران مستقر ساخته‌اند که عمده این فعالیتها در امر حمل و نقل می‌باشد.

در بررسی روابط و همکاریهای همه جانبه با کشورهای نخواست از فروپاشی شوروی می‌توان اصول سیاستهای ایران را چنین بیان نمود.

- استقلال هر یک از جمهورها موجب تحکیم مبانی صلح و ثبات منطقه می‌باشد.  
- استقلال در کلیه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر به بسط روابط سودمند متقابل بر اساس تمایلات و منافع ملی هر یک از جمهورها یا سایر کشورها خواهد بود.

- آزادی در انتخاب کلیه شئون و شقوق سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، زبانی و قومی حق مردم منطقه است.

- اعتقاد به اصل همکاری و مشارکت به جای رقابت.

- با توجه به منابع غنی و سرشار طبیعی، معدنی و انسانی، در هر یک از جمهورها، زمینه‌های توسعه همکاریهای منطقه‌ای فراهم می‌باشد.

- خودداری و پرهیز از تعیین سهم سقف و سطح در هر یک از زمینه‌های همکاری، و واگذار نمودن حق انتخاب و تصمیم به کشورهای جدید.

- اصلی‌ترین مرحله همکاری در شرایط فعلی، توسعه همکاریهای تجاری، اقتصادی متناسب با نیازها، توانها و استعدادها هر یک از جمهورهاست.

- مساعدت به دسترسی هر یک از جمهورها

به بازارهای خارجی.

- پرهیز و جلوگیری از هر گونه اقدامی که ثبات، امنیت و آرامش این جمهوریها را مخدوش و مبانی استقلال آنها را تضعیف کند.<sup>۱۱</sup>

آقای آلیسون معتقد است که سیاست خارجی ایران در منطقه بر دو اصل استوار است: توسعه تجارت و تضمین ثبات<sup>۱۲</sup> که این نشانگر یک رابطه عاقلانه و معقول برای تهران می‌باشد. از سویی ایران سعی کرده که تنها به عنوان گسترش دهنده انقلاب در آنجا مشاهده نشود. برای مثال در درگیری تاجیکستان، ایران از مداخله مستقیم اجتناب نموده است ولی در عین حال روابط حسنه‌ای با دولت تاجیکستان برقرار نموده است.<sup>۱۳</sup>

به هر حال ایران کشور باثبات و نیرومندی در منطقه است که دارای روابط تاریخی قومی و ارتباطات نژادی و زبانی با کشورهای منطقه می‌باشد. بنابراین ایران باید نقش خود را بسیار دقیق ایفا نماید. همچنین نقش ایران باید نه تنها از سوی قدرتهای منطقه، بلکه قدرتهای خارج منطقه درک شود.

نتیجتاً ایران در حال انجام بازی ژئواستراتژیک و نه ایدئولوژیکی است. و تهران تاثیر اندکی بر روحانیون آسیای مرکزی داشته است. پاکستان و عربستان سعودی و مبلغین مذهبی آنان منابع تامین مالی تأسیس مساجد و اماکن مذهبی به شمار می‌روند و نه قم و مشهد.

ایران بواسطه اشتراک زبان و نیاز تاجیکستان به یافتن حامی از میان کشورهای خارجی، بویژه زمانی که مسکو، آنکارا و غرب به ازبکستان علاقه نشان می‌دهند. موفقیت‌هایی در تاجیکستان کسب نموده، ولی خطر عمده برای ایران دشمن ساختن مردم ترک زبان به شمار می‌رود که به لحاظ در اقلیت قرار داشتن پارسی زبانان، اکثریت را به خود اختصاص می‌دهند که این امر نشانگر آن است که چرا تهران در طول جنگهای داخلی در تاجیکستان و افغانستان

محتاطانه عمل نمود و از طرفداری از یک گروه اجتناب ورزیده است.

در خصوص حضور ایران در جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز بهتر است در اینجا به سخنان آقای ملکی اشاره‌ای نمود.

اگر الان بخواهیم خیلی فهرست وار حضور جمهوری اسلامی ایران را در جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز نگاه کنی به طور خلاصه چنین است: ما در پایتخت یازده کشور از دوازده کشور جمهوریهای مستقل مشترک المنافع نمایندگی سیاسی و سفارتخانه و سفیر داریم فقط ما در مولداری نمایندگی نداریم، پرواز مستقیم از تهران و دیگر شهرهای ایران به پایتختهای این کشورها داریم. خلیل عظیم شرکتهای خصوصی ایران اعم از شرکتهای تولیدی و خدماتی در رشته‌های ساختمانی، صنعتی، کشاورزی و خدمات، مسائل مربوط به هتل سازی و تجارت، انتقال کالا و ... در این مناطق در حال فعالیت هستند. مثلاً در قزاقستان ۴۰۰ شرکت خصوصی ایرانی فعالند. ازبکستان تعدادی در همین حدود، در کشورهای دیگر هم ما از حجم بار و کامیونتهایی که بار ایران را می‌برند می‌توانیم حدس بزنیم چه مقدار است. خطوط متعدد حمل و نقل در این کشورها یا توسط جمهوری اسلامی ایران در حال کار است یا به واسطه جمهوری اسلامی ایران برای حمل بار به ترکیه است. روزانه ۱۰۰ کامیون به مرز ایران می‌رسد و از مرز ایران به آسیای مرکزی می‌رود.

کشتیرانی در دریای خزر جریان دارد. ما به پنج بندر مهم دریای خزر مانند کراسنودسک (ترکمن باشی)، آکتائو، استراخان، ماهاج قلعه و باکو خطوط منظم داریم. راه آهن میان قاره‌ای از شانگهای، ارومچی، آلماتی، عشق آباد، مشهد و از مشهد به ترکیه از آن طرف به اروپا در حال وصل است و ایران حلقه اصلی آن است. خطوط جاده‌ای که ما داریم بسیارند و اینها بدون هیچ چشم‌داشتی در اختیار این

کشورهاست که از لحاظ دسترسی به دریای آزاد مشکل دارند و هیچ گونه دسترسی به آبهای بین‌المللی ندارند، و تنها راه ارتباطی آنها سیستم ترانزیت چند بعدی که تلفیقی از خطوط کشتیرانی، جاده‌ای و هوایی می‌باشد است. مثلاً از هند بار بیاورند به بندرعباس و از بندرعباس این بار به دریای خزر و سپس به روسیه انتقال پیدا کند. خودشان می‌گفتند تا قبل از این اگر از طریق کانال سوئز و دریای سیاه می‌خواست انجام بشود این امر سه برابر هزینه داشت.

ارایه خدمات آموزشی متعدد به این کشورها، آموزش دیپلماتیک، گمرک، کشاورزی، هواشناسی، هوایی، مسائل آکادمیک مثل تاریخ، سندخوانی، ترمیم اسناد، کتابخانه، چاپ کتابهای کودکان و آموزشهای دیگر، همه کارهایی است که ایران می‌کند و نیز کمکهای اقتصادی و اعتبار پروژه‌های مشترک است. همچنین، ایران در همه درگیریهای منطقه‌ای حالت میانجی داشته است.

این تصویر از ایران در اوایل سال ۱۹۹۶ و آن تصویر در اواخر سال ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که چقدر فاصله میان آن چیزی که تبلیغ می‌شد و آن چیزی که ما می‌خواستیم انجام بدهیم وجود دارد.

در آسیای مرکزی و قفقاز نیازی به صدور بنیادگرایی اسلامی وجود ندارد. زیرا در فرهنگ و مذهب آن کشورهاست. این کشورها بجز ارمنستان و گرجستان مسلمان هستند و طبیعی است مردم به اسلام علاقه دارند. آمار نشان می‌دهد که حدود ۱۰/۰۰۰ مسجد در این مناطق ساخته شده است. این کار مردم است و هیچ دولتی نمی‌تواند این همه مسجد بسازد و مردم به فرهنگ و دین خودشان علاقه دارند، ولی آن چیزی که جمهوری اسلامی ایران انجام داد آن کارهایی بود که من گفتم. نکته پر اهمیت دیگر تمدن بزرگ ایرانی می‌باشد، یعنی یکی از هفت تمدن بزرگ جهان که در این مناطق تاثیر بسیاری داشته است.<sup>۱۴</sup>



## اهمیت راه طلایی ابریشم برای ایران و منطقه

افتتاح محور طلایی راه‌آهن مشهد - سرخس - تاجن باعث گردید راه از میان رفته‌ای که روزگاری آسیای مرکزی و چین را به خلیج پارس و از طرف دیگر به ترکیه و دریای مدیترانه متصل می‌کرد از نو احیاء شود. این خط آهن که از طریق آسیای مرکزی ارتباط میان ترکیه و چین را امکان‌پذیر می‌سازد. یادآور ارتباط سه قرن پیش چین با ترکیه از طریق مسیری است که به جاده ابریشم شهرت دارد.

این طرح یک رویداد بزرگ تاریخی است که با گشایش آن کشورهای آسیای مرکزی از یک سو به خلیج فارس و از سوی دیگر به قفقاز و اروپا دسترسی می‌یابند. راه‌اندازی خط راه‌آهن مشهد - سرخس - تاجن یک واقعه تاریخی در آستانه قرن بیست و یکم است که نقش ویژه‌ای در اعاده دوستی و توسعه همکاری‌های کشورهای منطقه خواهد داشت.<sup>۱۵</sup>

این طرح باعث ایجاد وحدت اسلامی و ارتباط نزدیک میان کشورهای مسلمان منطقه می‌گردد و نقش فراوانی به عنوان حلقه اتصال کشورهای آسیای میانه و قفقاز ایفا می‌کند. نتیجتاً بهره‌برداری از این خط آهن دوستی‌ها را بیشتر و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی منطقه را بیش از پیش توسعه می‌دهد.

**این پروژه بیش از پیش بر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران در آینده بیشتر خواهد افزود. قاره‌ای بودن سه کشور ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان و عدم دسترسی آنان به دریاها و آزاد موجب توسعه**

**همکاری میان آنان و ایران و روسیه را غیر قابل اجتناب می‌نماید.** در حالی که جغرافیا همکاری نزدیک بین کشورهای منطقه را دیکته می‌کند، طرحها و تلاشهای چشمگیر ایالات متحده بر علیه گسترش نفوذ ایران از لحاظ منطقه جغرافیایی و بازرگانی نمی‌تواند برای آن کشور بهره‌ای داشته باشد.

افتتاح این راه‌آهن مقدمه‌ای است که همراه با گسترش شبکه راههای ارتباطی دیگر و گسترش شبکه‌های لوله نفت و گاز در منطقه می‌رود که بالقوه‌های جغرافیایی موقعیت استثنائی ایران را به واقعیت عملی تبدیل کند.

موقعیت جغرافیایی استثنائی ایران میان پراهمیت‌ترین منابع انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر هنگامی کارایی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک پراهمیتی خواهد یافت که همه این پروژه‌ها و پروژه‌های مشابه به اجرا در آمده و این شبکه‌های راه و راه‌آهن و راههای دریایی و هوایی و شبکه لوله‌های نفت و گاز همانند ریسمانهای پولادین، ژرفای ژئوپلیتیک شمالی ایران را به ژرفای ژئوپلیتیک جنوبی ایران پیوندی مستحکم دهد و خلیج فارس را به دریای خزر متصل سازد. چنین شرایطی، صادرکنندگان و واردکنندگان مبادلات بازرگانی دو منطقه را پایبند جغرافیای استثنائی ایران خواهد ساخت.<sup>۱۶</sup>

نتیجتاً پیوند منطقه خلیج پارس با دریای خزر موجب گسترش مبادلات میان دو منطقه و جنوبی و شمال می‌گردد و این اثر قابل توجهی بر شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران خواهد گذاشت. تردیدی نیست که گسترش تسهیلات

ارتباطی میان دو منطقه بویژه برای کشورهای درخلیج فارس مانند بحرین و دومی اهمیت حیاتی پیدا خواهد کرد که بخش بزرگی از زندگی اقتصادی آنان بر پایه بازرگانی ترانزیت استوار است. از سوی دیگر، گسترش زیاد از حد تولید و صدور نفت و گاز منطقه خزر - آسیای مرکزی می‌تواند بر میزان تولید صدور نفت و گاز دیگر مناطق از جمله منطقه خلیج فارس اثر گذارد. در آن شرایط است که کشورهای خلیج فارس ناچار خواهند بود با گسترش درگیری در منطقه خزر - آسیای مرکزی کاستی یافته‌های یاد شده را جبران کنند.<sup>۱۷</sup>

### زیرنویسها:

۱. سهراب شهیدی "مروری بر وضعیت اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره دوم پائیز ۱۳۷۱، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۱۲۲-۱۲۳.
۲. همان منبع، صص ۱۳۲.
۳. هوشنگ میراحمدی، "سیاست خارجی منطقه‌ای ایران"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۲-۷۳، سال هشتم، مهر و آبان ۱۳۷۲، نشر اطلاعات، صص ۷۰.
۴. همانجا.
۵. رضا پاکدامن، "نظام حقوقی حاکم بر روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جدیدالتأسیس"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۷۲، انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۱۱۰.
۶. همان منبع، صص ۱۱۲.
۷. روبین، "گفتگو در باره سیاست خارجی ایران" فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۷۵، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۲۰۶.
۸. همان منبع، سخنان آلیسون، صص ۲۰۷.
۹. همان منبع، سخنان شیرین آکینر، صص ۲۰۶.
۱۰. همان منبع، سخنان روبین، صص ۲۰۷.
۱۱. از سخنرانی محمود واعظی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۷۲، انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۱۱-۱۲.
۱۲. "گفتگو در باره سیاست خارجی ایران"، سخنان آلیسون، صص ۲۰۵.
۱۳. همان منبع، سخنرانی ویرر، صص ۲۰۶.
۱۴. از سخنرانی قاسم ملکی، سمینار امنیت و سیاست خارجی در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۷۵، انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۵۲-۵۳.
۱۵. روزنامه همشهری - ۷۵/۱۲/۲۳.
۱۶. روزنامه همشهری، ۷۵/۸/۹.
۱۷. همانجا.

